

قیام توابین

قیام توابین در سال 65 هجری قمری ...



قیام توابین در سال 65 هجری قمری

پس از شهادت اباعبدالله الحسین(ع) و یاران وفادارش در کربلا به دست سپاهیان یزید بن معاویه و عدم یاری آن حضرت از سوی مسلمانان و دوستداران اهل بیت(ع)، يك حالت سرخوردگی و پشیمانی در مسلمانان پدید آمد. در شهر کوفه که بزرگترین مرکز شیعیان عالم اسلام بود، ندامت و پشیمانی شیعیان، به خاطر عدم نصرت امام حسین(ع) و تنها گذاشتن وی در کربلا، شدت بیشتری داشت و از این بابت، خودشان را سرزنش کرده و خطاکار می‌دانستند.

آنان، پس از مراسم‌های عزاداری امام حسین(ع) و گفت و گوهای جمعی، به این نتیجه رسیدند که این ننگ و ندامت را نمی‌توانند از خود دور کنند، مگر با کشته شدن در راه اهداف اباعبدالله الحسین(ع)، و گرفتن انتقام از قاتلان وی.

رهبری این جنبش را چند تن از سران سالخورده شیعه عراق بر عهده داشتند، که معروفترین آنان عبارت بودند از: سلیمان بن صرد خزاعی، عبدالله بن وال تمیمی، رفاعه بن شداد بجلی، عبدالله بن سعد ازدی و مسیب بن نجبه فزاری.

قیام توابین از سال 61 قمری، پس از شهادت امام حسین(ع)، شکل گرفت و به تدریج فراگیر شد و طرفداران بسیاری پیدا کرد و به مدت چهار سال شکل‌گیری جنبش، نیرو و امکانات قابل توجهی فراهم گردید. بدین منظور رهبران قیام، نخستین روز ربیع الثانی سال 65 قمری را آغاز رسمی حرکت خود از شهر بزرگ کوفه تعیین کردند. در این زمان، "یزید بن معاویه" به هلاکت رسیده بود و "مروان بن حکم" در شام و غرب عالم اسلام و "عبدالله بن زبیر" در مکه و شرق و جنوب عالم اسلام، حکمرانی می‌کردند و شهر کوفه در سیطره عبدالله بن زبیر و طرفدارانش قرارداشت.

در آغاز، عده‌ای درصدد درگیر کردن توابین با عامل عبدالله بن زبیر در کوفه را داشتند، ولی با زیرکی "عبدالله بن زبیر انصاری"، استاندار وقت کوفه و اعلام پشتیبانی وی از توابین، هیچ گونه جنگی در کوفه به وقوع نپیوست و توابین که تعدادشان چهار هزار رزمنده عاشق شهادت بود، از کوفه به "پادگان نخيله" و از نخيله به سوی کربلا حرکت کردند و مدتی در آن جا به سوگواری پرداختند و بسیار گریه و ناله کرده و از خدای سبحان، به خاطر گناه و جرم خویش، طلب غفران نمودند و آن گاه به سوی سرزمین "جزیره (بین النهرین)" رهسپار شدند و در منطقه "عين الوردة" با سپاهیان مروان بن حکم به فرماندهی "عبیدالله بن زیاد" مواجه شدند. در آغاز، گروهی از توابین به فرماندهی "مسیب بن نجبه فزاری" با گروهی از سپاه عبیدالله بن زیاد درگیر شدند و با مجاهدت و دلاوری‌های توابین، سپاه عبیدالله متحمل شکست سنگین شد و بسیاری از شامیان کشته و بسیاری زخمی گردیدند و تنها عده‌ای، موفق به فرار از صحنه نبرد شدند.

عبیدالله بن زیاد، که تعداد سی هزار نفر از شامیان را فرماندهی می‌کرد، برای بار دوم، سپاهی به استعداد دوازده هزار مرد جنگنده به فرماندهی "حصین بن نمیر" به نبرد توابین فرستاد و این بار نیز پیروزی با خداجویان توابین بود ولی تاریکی شب، مانع پیروزی نهایی آنان گردید. اما بار سوم، عبیدالله بن زیاد در همان شامگاه با تمام نیرو و تجهیزات جنگی به نبرد توابین شتافت و جنگ خونینی میان طرفین شعله ورگردید. سلیمان بن صرد که با سپاهی سنگین از دشمن روبرو شده بود، از زمین اسب به پایین آمد و شمشیرش را از غلاف بیرون آورد و غلاف آن را شکست و به یاران خود گفت: عبادالله! من اراد البکور الی ربه، و التوبة من ذنبه، و الوفاء بعهدہ، فالي؛ ای بندگان خدا! هر کسی می‌خواهد که بامداد فردا در نزد پروردگارش باشد، از گناه و جرمش توبه کند و به پیمان خویش وفا کند، پس با من بیاید.

در این هنگام، تعداد زیادی از یاران او از اسب پیاده شده و بی‌باکانه به صفوف عظیم دشمن زدند. تعداد اندک شهادت طلبان توابین، صحنه میدان را بر انبوه جنایتکاران شام، تیره و تنگ کردند و اگر پیروزی‌های آنان به همان صورت ادامه می‌یافت، پیروزی نهایی نصیب آنان می‌شد، ولی شامیان، به جای نبرد تن به تن، توابین را آماج تیرهای بی‌امان خویش قرار دادند و در این میان فرمانده شجاع توابین، یعنی "سلیمان بن صرد"، مورد اصابت تیر "یزید بن حصین بن نمیر"، قرار گرفت و دلاورانه به شهادت رسید و پس از او، "مسیب بن نجبه" فرماندهی توابین را بر عهده گرفت ولی پس از مبارزاتی، او نیز به شهادت رسید. از آن پنج فرمانده و امیر توابین، هر کدام پس از دیگری، فرماندهی را بر عهده گرفته و با سربازان عبیدالله بن زیاد به نبرد پرداختند، ولی در میان میدان به شهادت رسیدند و تنها "رفاعة بن شداد بجلی"، به همراه عده‌ای اندک از توابین، از تاریکی شب استفاده کرده و خود را از آن واقعه هولناک، نجات داده و به کوفه برگشتند و در قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی، که پس شهادت توابین، به وقوع پیوست، شرکت نمودند.